باشند إِلَّا الَّذِينَ مگر آنانکه از روی صدق تَابُوا بازگردند بحضرت ربوبیت مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ از پس آنکه روی بگردانیده‌اند
وَأَصْلَحُوا و بصلاح آرند آنچیز را که در آن افساد کرده‌اند یا داخل شوند در صلاح یا استقامت ورزند در توبه یا باعمال صالحه تدارک
حقیقت آنست که بواطن را بمراقبات اصلاح کنند و ظاهر را بعبادات و چون کار خود را به پیرایه توبه و صلاح پیرایند فَإِنَّ اللَّهَ
پس بتحقیق که خداوند تعالی غَفُورٌ آمرزنده است توبه ایشان قبول کند رَحِيمٌ مهربانست بر ایشان بفضل خود رحمت
پس حارث این آیه را بدست امینی بمکه فرستاد حارث بعد از تلاوت آیت فرستاده را گفت که من مرا از تو راست‌گوی
و برادرم نیز از آنجمله نیست که نسبت برسول خدای صلعم افترا کند و آنحضرت چنان بنده نیست که دروغ بر خداوند بندد و خداوند
این همه راست گوی تر است پس من چرا داغ ناامیدی بر ناصیه حال خود کشم هیچ برادران نیست که از دست ساقی
شراب ناب تو بچشم بیت شراب صافی و ساقی کریم و من مخمور چه لازم است که درد سر خمار کشم پس عهد
و عهد اسلام را تجدید کرد و شرف قبول توبه یافت آورده‌اند که حارث در وقت رجوع از مکه همین آیه را از دیگر آن
از رفقا او که غریق گرداب خذلان بودند فرستاد تا باشد از شمایم گلستان رجا نفحات قبول بمشام ایشان رسد
شقاوت ایشان را از استنشاق آن روایح محروم ساخته جواب دادند که حالا در مکه طرح اقامت داریم و از
اقبال از صفحات احوال محمد صلوات الله علیه محو شده یا انصار و اعوان او بدست خصمان مغلوب و مقهور گردند انتظار
تربص به ریب المنون پس کرا مطلوب ما عنقریب پرده تعویق از چهره بردارد و فهو المراد و الا چون خواهیم که بدین اسلام
گرویم توبه ما نیز چون توبه حارث پذیرفته خواهد شد حق سبحانه در شان ایشان فرستاد که إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بتحقیق
آنانکه کافر شدند بتوحید و رسالت بَعْدَ إِيمَانِهِمْ پس از گرویدن ایشان بدان ثُمَّ ازْدَادُوا كُفْرًا پس زیاده
کردند کفر را بر کفر یعنی ثبات ورزیدند بران یا هر آیتی که فرود آمد بدان کافر شدند و این افزونی کفر است بر کفر لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ
هرگز پذیرفته نشود بازگشت ایشان وَأُولَٰئِكَ و آن گروه که باقامت بر کفر موصوفند هُمُ الضَّالُّونَ ایشانند گمراهان
از طریقت هدایت یا هلاک شدگان در بادیه غوایت بعضی از مفسران این آیه را منسوخ دانند و گویند وعده الهی آنست
که تا آفتاب از جانب مغرب طلوع نکند در توبه بسته نشود پس حکم عدم قبول توبه که از فحوای این آیه مفهوم میشود از منسوخات
باشد و صحیح آنست که نسخ برین آیه طاری نیست و تاویلش برین نوع کرده‌اند که توبه ایشان در وقت یاس مقبول نخواهد بود
پس گوییا حق تعالی خبر میدهد که ایشان توبه نخواهند کرد مگر وقتی که بر هلاک مشرف شوند و آن توبه بنفع نمیرساند فلم یک ینفعهم ایمانهم
لما راوا باسنا یا اخبار است از عدم توبه ایشان بعدم قبول یعنی ایشان را توبه نخواهد بود پس قبول آن چگونه باشد
و اگر واو اولئک واو حال دارند مضمونش آنست که در حالت ضلالت توبه ایشان قبول نکنند چه توبه و ضلالت
الضلال لا یجتمعان و هر آینه مراد توبه باشد از روی نفاق و گفته‌اند هر توبه که دران شرائط صحت رعایت نبود در قبول
نیابد و شرط کلی دران اخلاص است از سلطان ابراهیم ادهم نقل کرده‌اند که توبه رجوعست با حق سبحانه بمعانی

بشهرة

شبهت تا دل از کدورت معاصی صافی نکرد و برق ندامت آتش در خرمن اندیشه‌های فاسد نزد و آب حسرت برای شستن صحایف
جرایم از چشمه چشم جاری نکرد نهال توبه بمیوه قبول آراسته نشود بیت هر کسی توبه از در دست نیست ذوق توبه نقل هر سرمست نیست
می بباید نار و آبی توبه را شرط شد برق و سحابی توبه را آتش و آبی بباید میوه را واجب آمد برق و ابر این شیوه را تا نباشد برق
دل آب دو چشم کی نشیند آتش تهدید خشم شیخ حسن بصری بر آنست که این آیه در شان یهود نازل شده که کافر شدند بانجیل و عیسی بعد از ایمان
بتوریت و موسی پس زیاده کردند کفر خود در القرآن و محمد صلوات الله علیه و علی جمیع الانبیاء عدم قبول توبه و وجود حصول ضلالت ایشان از
کفر کوری میرند و آل کار هر که بر کفر بمیرد آنست که میفرماید إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا هر آینه آنانکه کافر شدند وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ و بمردند
و ایشان کافر بودند فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ پس قبول کرده نشود یکی از ایشان مِلْءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا پری زمین زر وَلَوِ افْتَدَىٰ بِهِ
و اگر چه فدا دهد آن همه را یعنی اگر کافری بمقدار زری که سطح زمین را از شرق تا مغرب مملو سازد فدیه دهد تا بدان از عذاب دوزخ باز رهد
مقبول نخواهد بود در بیان صحیح آورده که روز قیامت کافر را در موقف عرض حاضر گردانند و گویند اگر همه روی زمین پر زر بودی آن همه زر در حوزه
تصرف و قبضه ملک تو باشد فدای خود کنی گوید آری پس او را گویند ای زیانکار خاکسار در دنیا آسانتر ازین از تو میخواسته شد
آن کلمه شهادت بود چرا گفتی و خود را از عذاب ابد باز نخریدی أُولَٰئِكَ آنها که کافر میرند لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ مر ایشانراست
عذابی دردناک این سخن مبالغه است در ناامیدی ایشان چه شاید که از کسی فدا نگیرند اما بفضل ازلی عفو کنند چنانچه انعام درست
نه وقوع وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ و نباشد مر ایشانرا هیچ کس از یاری کنندگان که عذاب از ایشان باز دارد و چون ازین معلوم شد که دادن
مال کافر را نفع نمیرساند در آیه لاحقه مومنان را کیفیت دادن مال بر وجهی که سودمند باشد تعلیم میدهد و میگوید لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ
هرگز نیابید نیکویی را و آنچه طلب میدارید از کمال خیر نرسید حَتَّىٰ تُنْفِقُوا تا آنگه نفقه کنید و صدقه دهید مِمَّا تُحِبُّونَ از آنچه
دوست میدارید از مجاهد این آیه با آیه زکوة منسوخ میدانند و در تفسیر کبیر آورده که این سخن از مجاهد عجب است زیرا که ایجاب که
منافی ترغیب در بذل محبوب نیست و صحیح آنست که این انفاق غیر واجبست زیرا که در واجب ایفاء احب اشرف اموال لازم نیست
و محققان از علما گویند این انفاق عامست و شامل مر واجب و مستحب را و مما تحبون نیز اعم است میشاید که مال باشد که بآن بر فقرا
تصدق نمایند یا جاه که بآن معاونت درماندگان کنند یا بدن که قوت آنرا بطاعت مبذول سازند یا دل که آنرا وقف محبت
الهی گردانند یا جان که آنرا در راه رضای حق درباز ند یا سر که آنرا از دست تعلق ماسوی الله بپردازند بیت مال از پی جود است و تن از بهر جهاد
دل کان محبت و جان بهر شهود سرآینه ایست کاندر و دیده شود عکس لمعات نور توحید وجود و گفته‌اند هر که محبوب خدا
نفقه کند در دنیا هر آینه مطلوب خود را بیابد در عقبی و هر که از سر دنیا و عقبی درگذرد بقرب حضرت مولی پرد بیت ای معرفت کی
... گر دنیا و عقبی فراموش کرد بعد از نزول آیه ابو طلحه انصاری بجناب رسالت آمد و گفت یا رسول الله طیب اموال من
آن نزد من بیرحاست هر جا که خدای تعالی حکم کند وضع کن و آن باغی بود در غایت جودت که حضرت رسول صلعم گاه گاه بآن
درآمدی و از آب و میوه آن تناول فرمودی پس جواب ابو طلحه فرمود که بخ بخ این مالیست رابح یعنی با سود بسیار یا گفت

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)